

ورشکستگی یا مرگ اقتصادی

ورشکستگی مرحله‌ای است که به حیات اقتصادی و تجاری تاجر یا شرکت ورشکسته خاتمه می‌دهد به این جهت به آن مرگ اقتصادی هم گفته می‌شود. چرا

که پایان عمر تاجر و یا شرکت ورشکسته است و یکی از موارد انحلال آن می‌باشد اما در حقوق تجارت کشور ما قوانین متناسب و صریح و روشنی در این زمینه وجود ندارد و در موارد متعددی با ابهام و اشکال و مسائل متناقضی روبه‌رو می‌باشیم و علت آن روشن می‌باشد زیرا قانون تجارت که در سال ۱۳۱۱ شمسی تصویب شده است ۱۶۳ ماده به این موضوع اختصاص داده است (ماده ۴۱۲ تا ۵۷۵) به علاوه قانون

اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۴ نیز شامل ۶۰ ماده می‌باشد که به همین امر با شیوه و روش و کیفیات دیگری تصریح دارد. و گذشته از قوانین مزبور آئین قانون اداره تصفیه هم که در سال ۱۳۱۸ تصویب شده دارای ۶۷ ماده می‌باشد و هر کدام به تنهایی بحث و گفتگوی مفصلی را می‌طلبد

جرائم اشخاص مرتبط با ورشکستگی

علاوه بر خود تاجر که اگر ورشکستگی او به تقلب و یا تقصیر باشد به مجازات می‌رسد اشخاص دیگری نیز ممکن است در امر ورشکستگی تاجر به نحوی از انحاء دخالت داشته و مقصّر شناخته شوند به این جهت در قانون تجارت (ماده ۵۵۱ قانون تجارت و مواد بعدی) برای آنها مجازات‌هایی به شرح زیر پیش‌بینی گردیده است:

اشخاصی که عالماً یعنی با قصد و عمد که به آن سوءنیت گفته می‌شود به نفع تاجر ورشکسته کلیه اموال یا قسمتی از دارائی او را اعم از اموال منقول و یا غیرمنقول از بین ببرند یا نزد خود نگهداری نموده و یا مخفی نمایند به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم می‌شوند

۲. اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلبی که واقعیت نداشته در روی سند مندرج در ماده ۴۶۷ قانون تجارت واقعی قلمداد نموده و ملتزم شده باشند.

۳. اشخاصی که به اسم دیگری و یا اسمی که واقعیت نداشته و موهوم باشد تجارت نموده باشند و سپس دفاتر خود را مفقود نموده و یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و یا به‌طور ساختگی و انجام معاملات صوری از بین برده باشند، به مجازات ورشکسته به تقلب یعنی از یک الی ۵ سال حبس محکوم خواهند شد.

۴. اقوام و بستگان ورشکسته هرگاه بدون مشارکت و دخالت او اموال وی را از بین برده یا مخفی کرده و یا نزد خود نگهداری نمایند به مجازات سرقت محکوم خواهند شد.

اقسام ورشکستگی

ورشکستگی عادی

در مواقعی که تاجر به طور عادی و معمولی به تجارت مشغول بوده لیکن به واسطه حوادث و عوامل غیرمترقبه و غیرقابل پیش بینی مانند جنگ، بحران های اقتصادی، کاهش ارز، تمام یا بخش عظیمی از سرمایه وی از بین برود و او هیچ گونه عملی بر خلاف قوانین و عرف تجارت انجام نداده باشد و مرتکب خطا و تقلب و تقصیر هم نشده باشد و به دلایل موجه و قابل قبول از پرداخت بدهی خود عاجز گردد. در چنین صورتی برابر قوانین به وضعیت دارائی او رسیدگی می گردد. لیکن دارای مجازاتی نمی باشد. به این نوع ورشکستگی، ورشکستگی عادی گفته می شود

ورشکستگی به تقصیر

ر حقیقت به واسطه خطا و مسامحه و اقداماتی است که در نتیجه آنها تقصیر تاجر

محرز و مسلم می گردد و درباره ورشکستگی به تقصیر ماده ۵۴۱ قانون تجارت

مواردی را بیان نموده که با توجه به آن و مواد بعدی می توان تاجر را ورشکسته به

تقصیر دانست:

در صورتی که اعلام گردد مخارج تاجر اعم از شخصی یا مخارج خانه وی در

مواردی عادی و معمولی از عایدی وی بیشتر بوده، به این معنا که تاجر بدون

رعایت و در نظر گرفتن درآمد خود مبادرت به ولخرجی نموده باشد.

چنانچه معلوم گردد که تاجر مبالغ هنگفتی از سرمایه خود را صرف اموری نمود

که واهی بوده و نفع وی فقط منوط به امور اتفاقی است چنین معامله ای در عرف

تجارت موهوم نامیده شده و عقلانی و منطقی نمی باشد.

۳. هرگاه تاجر به منظور به تأخیر انداختن ورشکستگی خود اجناسی را بیشتر از

قیمت روز خریداری نماید و یا اینکه اموالی را به کمتر از قیمت روز بفروشد.

۴. در صورتی که به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود از طریق صدور برات

یا استقراض تحصیل وجهی نماید به طوری که در عرف تجارت دور از صرفه

باشد.

۵. در صورتی که پس از تاریخ توقف یکی از طلبکارها را بر سایرین مقدم دانسته و طلب او را پرداخت کرده باشد.

۶. چنانچه به حساب دیگری بدون اینکه عوض یا جنسی دریافت داشته، تعهداتی

نموده باشد که با توجه به وضعیت مالی او فوق‌العاده باشد

۷. در صورتی که عملیات بازرگانی او دچار توقف گردیده ولی در ظرف سه

روز از تاریخ وقفه‌ای که در پرداخت دیون و تعهدات وی به عمل آمده، توقف

خود را به همراه حساب دارائی و اموال به دفتر دادگاه نداده باشد

مجازات تاجر ورشکسته

به تاجری که با توجه به موارد مزبور ورشکست شده باشد، ورشکسته به تقصیر می

گویند و برای تاجر ورشکسته به تقصیر قانون مجازاتی تعیین نموده است که بین ۶

ماه تا سه سال حبس می‌باشد. همچنان که ماده ۵۴۳ قانون تجارت می‌گوید

ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا سه سال حبس

تأدیبی است

لازم به ذکر است که در حال حاضر مجازات جنحه‌ای وجود ندارد زیرا در

سنوات گذشته مجازات‌ها تقسیم شده بود به:

- خلاف

- جنحه

- جنایت

لیکن در حال حاضر این تقسیم بندی منسوخ می‌باشد و مجازات‌ها در قوانین

مجازات اسلامی به شرح زیر تقسیم گردیده است:

حدود

۲- قصاص

۳- دیات

۴- تعزیرات

۵- مجازات‌های بازدارنده

به این ترتیب برابر قانون مجازات اسلامی کلیه حبس‌ها تعزیری است و حبس جنحه

ای و تأدیبی و خلافی و یا جنائی اعمال نمی‌گردد و مجازات ورشکسته به تقصیر

برابر ماده ۶۷۱ قانون تعزیرات از ۶ ماه تا دو سال حبس می‌باشد.

با توجه به اینکه قانون تعزیرات مصوب دوم خردادماه ۱۳۷۵ می‌باشد و مجازات آن

از مجازات مندرج در ماده ۵۴۳ قانون تجارت خفیف‌تر است به نظر می‌رسد که

دادگاه‌ها باید آن را اعمال نمایند

رسیدگی به جرم تاجر ورشکسته به تقصیر

با توجه به اینکه ورشکستگی به تقصیر جرم می‌باشد رسیدگی به آن در صلاحیت

دادگاه‌های کیفری می‌باشد همان‌طوری که ماده ۵۴۴ قانون تجارت می‌گوید

رسیدگی به جرم فوق برحسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا تعقیب مدعی‌العموم در محکمه جنحه به عمل می‌آید.

برابر ماده مزبور رسیدگی به جرم تاجر ورشکسته به تقصیر با تقاضای افراد مشروحه زیر به عمل می‌آید:

مدیر تصفیه که قائم مقام تاجر است یا تصویب اکثریت طلبکاران حاضر

- بنا به درخواست هر یک از طلبکارها که ذینفع می‌باشند
- با تعقیب مدعی‌العموم (دادستان) که نماینده عموم مردم می‌باشد و به موجب قانون در جرائم عمومی و در مواردی که قانون تصریح نموده است، حق تعقیب مجرمین را دارد.

رسیدگی به جرم مزبور در دادگاه‌های جنحه انجام می‌گیرد. لازم به توضیح است که در حال حاضر دادگاه‌های جنحه نیز وجود ندارد زیرا قبل از انقلاب دادگاه‌های کیفری به ترتیب زیر تقسیم گردیده بود:

- دادگاه خلاف

- دادگاه جنحه

- دادگاه‌های جنائی

لیکن به موجب قوانین آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۶۸ دادگاه‌های مزبور منحل گردید و رسیدگی به کلیه امور کیفری در صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک و دو

قرار گرفت اما به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادگاه‌های عمومی به این موضوع رسیدگی می‌نمایند.

ورشکستگی شرکت‌های تجاری

همچنان که قسمت اول ماده ۴۱۲ قانون تجارت چنین می‌گوید:

ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود...

بنابراین، ماده فوق به‌طور کلی از اشخاص حقیقی یعنی تاجر و اشخاص حقوقی یعنی شرکت‌های تجاری بحث می‌نماید و شامل سه قسمت می‌باشد

تاجر ورشکسته‌ای که در قید حیات می‌باشند.

۲. تجاری که در حین فوت در حال توقف بوده‌اند.

۳. شرکت‌های تجاری

ورشکستگی شرکت‌های با مسوولیت محدود

نظر به اینکه در شرکت‌های با مسوولیت محدود هرگاه شرکت دارای قروضی باشد

شرکاء هیچ‌گونه مسوولیتی در قبال آنها ندارند زیرا مسوولیت هر شریک تا میزان

همان سرمایه‌ای می‌باشد که به شرکت سپرده است و بیشتر از آن مسوولیتی ندارد.

بنابراین در صورتی که شرکت با مسوولیت محدود هم دچار توقف گردد مدیر یا

مدیران با توجه به قسمت اول ماده ۴۱۲ قانون تجارت باید صورت کلیه اموال

شرکت را اعم از منقول و غیرمنقول و وجوه نقد و اسناد و مدارک مربوطه مانند برات و چک و سفته و غیره را جمع‌آوری نموده و ضمن تصریح به مطالبات و تعهدات شرکت به انضمام دفاتر مربوطه به دادگاه محلی که شرکت در آنجا قرار دارد ارائه نمایند و تا زمان صدور حکم ورشکستگی درباره حفظ اموال هر اقدامی که لازم باشد انجام دهند.

بدیهی است پس از آنکه حکم ورشکستگی شرکت صادر گردید و مدیر تصفیه‌ای تعیین شد، اگر مدیر تصفیه به همکاری و راهنمایی آنها نیاز داشته باشد همکاری لازم را بنمایند اما چون مسوولیت شرکاء به میزان سرمایه آنها است بر خلاف شرکت‌های تضامنی و نسبی مسوولیتی در مورد پرداخت قروض شرکت ندارند.

نتیجه:

کلیه اقداماتی که در خصوص جمع‌آوری اموال تجاری و شرکت‌های سهامی و تضامنی و نسبی ورشکسته به وسیله مدیران تصفیه اعم از مهر و موم و فروش تا خاتمه ورشکستگی به عمل می‌آید درباره شرکت‌های با مسوولیت محدود هم اعمال می‌شود.

ورشکستگی شرکت‌های تضامنی

در مورد انحلال شرکت‌های تضامنی ماده ۱۳۶ قانون تجارت چنین تصریح دارد.

شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود.

در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳

در مورد تراضی تمام شرکاء

در صورتی که یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و

محکمه آن دلایل را موجه دانسته، حکم به انحلال بدهد

در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷

در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸

در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰

لازم به توضیح است که موارد مندرج در فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳ جای بحث

دارد و خالی از اشکال نیست زیرا در سال ۱۳۴۷ مواد یک الی ۳۰۰ قانون تجارت

فقط به شرکت‌های سهامی عام و خاص اختصاص داده شده و مواد ۹۱ و ۹۳ نسخ

شده است و بعد از ماده ۹۴ تا ماده ۶۰۰ برابر قانون سال ۱۳۱۱ مربوط به شرکت‌های

با مسوولیت محدود و سایر شرکت‌ها است. به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که در

قانون تجارت جائی برای ماده مزبور وجود ندارد تا بتوان به فقرات ۱ و ۲ و ۳ آن

استناد نمود.

انحلال شرکت: شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود.

وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام

آن غیرممکن باشد.

۲. وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.

۳. در صورتی که شرکت ورشکست شود.

به دلیل اینکه فقرات مورد بحث مربوط به انحلال شرکت‌های سهامی عام بوده

که برابر ماده ۱۹۹ مصوب سال ۱۳۴۷ نسخ گردیده است به این جهت، استناد به

آن در سایر شرکت‌ها محمل قانونی ندارد. لیکن به جای فقرات مندرج در ماده

۹۳ منسوخه می‌توان به موارد مندرج در ماده ۱۹۹ استناد نمود.

ضمن اینکه ماده ۱۲۷ قانون تجارت در خصوص ورشکستگی شرکت تضامنی چنین

می‌گوید:

به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال می‌توان حکم داد مشروط به اینکه

دارائی شرکت تقسیم نشده باشد

و در ماده بعدی به ورشکستگی شرکت تضامنی و شرکاء آن اشاره گردیده است

متنهی با قید این مطلب که ورشکستگی شرکت ملازمه با ورشکستگی شرکاء و

ورشکستگی شرکاء ملازمه با ورشکستگی شرکت ندارد زیرا هرگاه شرکت

تضامنی ورشکسته شود به این معنی نیست که شرکاء آن هم ورشکست گردیده

اند چرا که این شرکت است که ورشکست گردیده نه شرکاء آن. برای اینکه

شخصیت حقوقی شرکت جدا از شخصیت حقوقی شرکاء و دارائی شرکت نیز

جدا از دارائی شرکاء می‌باشد لیکن ورشکستگی شرکت کم و بیش آثار خود را

در چهره شرکاء آشکار و نمایان می‌سازد و گاهی اوقات آثار منفی ورشکستگی شرکت در دارائی شرکاء نیز محسوس و ملموس می‌باشد و عکس این موضوع نیز صادق و متصور است. به‌عنوان مثال ممکن است بعضی از شرکاء شرکت ورشکسته گردند در صورتی که شرکت قرص و پابرجا به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. به این جهت با ورشکستگی بعضی از شرکاء، شرکت منحل نمی‌گردد. زیرا در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء سایر شرکاء می‌توانند سهم‌الشرکه او را از دارائی شرکت به‌طور نقدی بپردازند و او را از شرکت خارج نموده و شرکت مانند گذشته به فعالیت‌های خود ادامه دهد.

مسؤولیت شرکاء ضامن در شرکت‌های تضامنی

با توجه به اینکه اگر برابر قانون تجارت دارائی شرکت تضامنی برای پرداخت قروض آن کافی نباشد، هر شریک مسؤول پرداخت قروض شرکت می‌باشد این مسؤولیت مطرح می‌شود که آیا پس از ورشکستگی شرکت تضامنی باز هم این مسؤولیت وجود دارد یا نه؟ و اگر وجود دارد خود آنها باید در مورد پرداخت بدهی‌های شرکت اقدام نمایند و یا اینکه چون در ورشکستگی مدیر تصفیه یا سازمان تصفیه قائم مقام شرکت می‌شوند این مسؤولیت باید زیر نظر مدیر تصفیه و یا به‌وسیله آنها به‌عمل آید.

پاسخ این است که وقتی شرکاء برابر ذیل ۱۱۶ قانون تجارت مسوولیت تضامنی دارند با ورشکستگی شرکت هم این مسوولیت از بین نمی‌رود و به قوت خود باقی است. منتهی طلبکاران شرکت ورشکسته مستقیماً با شرکاء طرف نمی‌باشند بلکه با مدیر تصفیه در ارتباط می‌باشند و این مدیر تصفیه یا سازمان تصفیه است که پس از ورشکستگی برای حفظ حقوق طلبکاران شرکت باید با شرکاء تضامنی در ارتباط بوده و ترتیب پرداخت دیون شرکت یا طلبکاران را از دارائی شخصی شرکاء بدهد چرا که قسمت اول ماده ۴۱۲ قانون تجارت می‌گوید:

ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود بنابراین:

شرکاء مسوول پرداخت قروض شرکت ورشکسته می‌باشند. منتهی نحوه پرداخت به طلبکاران باید با نظر مدیر یا سازمان تصفیه به عمل آید.

آیا با ورشکستگی شرکت تضامنی، شرکاء هم ورشکسته می‌گردند؟

با توجه به ماده ۱۲۸ قانون تجارت که می‌گوید ورشکستگی شرکت ملازمه با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد و در صفحات قبل توضیحات لازم داده شده است

به نظر می‌رسد که پاسخ این سوال منفی است. یعنی شرکاء شرکت ورشکسته نمی‌باشند، بنابراین:

پس از صدور حکم ورشکستگی شرکت، کلیه اقداماتی که درباره مهر و موم اموال تاجر ورشکسته به عمل می آید درباره اموال و دارائی شرکت هم اعمال می گردد. اما اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نمی گردد. برای اینکه بین ورشکستگی آنها و شرکت ملازمه وجود ندارد مگر اینکه در ضمن ورشکستگی شرکت معلوم شود که شرکاء ضامن هم ورشکسته گردیده اند. و دادگاه ضمن صدور حکم ورشکستگی شرکت، حکم ورشکستگی شرکاء ضامن را نیز صادر نموده باشد. در چنین وضعیتی اموال شرکاء شرکت تضامنی هم مانند اموال شرکت توقیف و مهر و موم می شود همان طوری که ماده ۴۳۹ قانون تجارت چنین تصریح دارد:

در صورت ورشکستگی شرکت های تضامنی، مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

نگهداری اسناد ورشکستگی

مدارک و اسناد مربوط به ورشکستگی از هر نوعی که باشد باید تا مدت ده سال نگهداری شود و پس از خاتمه ده سال در صورتی که نیازی برای نگهداری آنها وجود نداشته باشد ممکن است نابود گردد و موضوع امحاء آنها در ستون ملاحظات دفتر فهرست ورشکستگان قید گردد اما با توجه به اینکه شرکت منحل گردیده باید دید چه کسی مسوول نگهداری این اسناد و مدارک می باشد.

برابر بند ب ماده ۱۲ آئین نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی سال ۱۳۱۸ اسناد و مدارک مورد بحث باید به شریک یا شخص معینی که شرکاء تعیین و معرفی نموده اند سپرده شود تا نگهداری و حفظ گردد

ورشکستگی شرکت های نسبی

با توجه به اینکه شرکت های تضامنی و نسبی جزو شرکت های شخص می باشند و

شرکاء هر دو شرکت در قبال طلبکاران مسوولیت دارند یعنی شرکاء تضامنی

مسوولیت کلیه قروض شرکت را بر عهده دارند و شرکاء نسبی، به نسبت سرمایه

ملزم به پرداخت قروض و دیون شرکت می باشند. بنابراین:

همان احکام و مقرراتی که درباره انحلال و ورشکستگی شرکت های تضامنی اعمال

می گردد. درباره شرکت های نسبی هم اعمال می شود.

صندوق های الف و ب

در ماده ۵۱ قانون اداره تصفیه و امور ورشکستگی تیرماه ۱۳۱۸ دو صندوق به شرح

زیر پیش بینی گردیده است.

صندوق الف

۲. صندوق ب

که هر کدام دارای درآمد معینی است و به مصرف امور خاصی می رسد.

درآمد صندوق های الف

عبارت از وجوهی است که به عنوان هزینه امور ورشکستگی از دارائی ورشکسته به

میزان ۶ الی ۸ درصد برداشت می شود و حسابداری اداره کل تصفیه حسابی برای ثبت

کلیه اقلام درآمد صندوق الف در دفاتر خود باز می نماید و حسابی در بانک ملی نیز

به نام درآمد صندوق الف افتتاح می شود و کلیه ادارات تصفیه شهرستانها وجوه حاصله از آن محل را پس از ثبت در دفاتر خود ظرف ۲۴ ساعت باید در بانک ملی به آن حساب واریز نمایند که به موجب تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۶۸/۱۱/۱۱ درآمد صندوق الف که از حاصل دارائی تاجر ورشکسته اخذ می شود به شرح زیر است.

تا مبلغ پنج میلیون ریال ۹ درصد

۲. نسبت به مازاد آن تا ده میلیون ریال ۸ درصد

۳. نسبت به مازاد ده میلیون ریال ۷ درصد دریافت و به حساب خزانه واریز می

شود اما به موجب آخرین قانونی که تاکنون به تصویب رسیده و آن قانون

وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸

اسفندماه ۱۳۷۳ می باشد

درآمد صندوق الف به این شرح افزایش پیدا نموده است:

تا مبلغ ده میلیون ریال نه درصد

۲. نسبت به مازاد ده میلیون ریال تا بیست میلیون هشت درصد

۳. و نسبت به مازاد بیست میلیون ریال هفت درصد دریافت می شود

لازم به ذکر است که هرکدام از دو صندوق الف و ب - دارای شخصیت (مواد ۵۵

الی ۵۷ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸) حقوقی بوده و درآمد هر

دو صندوق جزو درآمد بودجه عمومی کشور منظور نمی شود، و وصول و مصرف آنها مشمول هیچ یک از مقررات مالی دولتی اعم از قوانین و مقررات حقوقی و جزائی نخواهد بود بلکه ترتیب وصول درآمدها و نظارت بر هزینه آنها به موجب

آئین نامه ای است که وزارت دادگستری تعیین می نماید

علاوه بر درآمدهای فوق صندوق الف از صندوق ب وام نیز می تواند دریافت نماید و وزارت دادگستری بر نحوه کار دو صندوق نظارت خواهد داشت و درآمد صندوق الف به مصرف سازمان تصفیه و برداشت هرگونه هزینه ای که اداره تصفیه برای امور ورشکستگی لازم بداند خواهد رسید.

صندوق ب

صندوق ب دارای شخصیت حقوقی است و درآمد آن از منابع زیر تأمین می شود.
۲۵ درصد به حقوقی که به موجب قانون ثبت شرکتها مصوب دوم خردادماه ۱۳۱۰ و ماده ۱۱ قانون تجارت برای امضاء دفاتر تجاری تعلق می گیرد اضافه شده و این اضافه حقوق به صندوق واریز می شود.

از مبلغ موضوع اعتراض نامه که به موجب ماده ۲۹۳ قانون تجارت تنظیم می گردد و از اقرار هر ده ریال ده دینار (یک درصد) اخذ می شود که نصف آن جزو درآمد

عمومی است و نصف دیگر به صندوق ب تعلق می گیرد که برابر ماده ۲۹۳ در موارد زیر اعتراض به عمل می آید.

در مورد نکول

۲. در مورد امتناع از نکول یا قبول

۳. در مورد عدم تأدیه

قابل توجه است که حق الثبت پلمپ دفاتر تجاری برابر قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۳ به ازاء هر یک صد صفحه دفتر تجاری بدون احتساب بهاء اظهارنامه سه هزار و پانصد ریال است و همچنین درآمد صندوق ب به ازاء هر یک صد صفحه دفتر تجاری یا کسر آن یک هزار و پانصد ریال است که به حساب اداره کل تصفیه امور ورشکستگی واریز می شود.

نحوه مصرف وجوه صندوق ب

نحوه مصرف درآمد صندوق (ب) برابر قانون اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۴ به شرح زیر می باشد

پرداخت کسری هزینه های بیمارستان وزارت دادگستری.

۲. پرداخت حقوق و مزایای کارمندانی که حسب ضرورت اداره کل تصفیه

استخدام شده و در وزارت دادگستری مشغول به کار هستند

۳. پرداخت فوق العاده^۱ سختی معیشت قضائی که در بخش های خارج از مرکز و

نقاط دوردست و صعب المعیشه انجام وظیفه می نمایند

۴. قسمتی از وجوه صندوق ب و وجوه حاصله از صرفه جوئی های سالانه اداره

کل تصفیه به حساب صندوق تعاونی که برای کارمندان قضائی و اداری و

مأمورین و خدمتگزاران تشکیل شده به عنوان وام منظور و به مصرف پرداخت وام

به کارمندان مزبور می رسد.

۵. تأمین هزینه های لازم برای اجراء قانون اطفال بزهکار و تأسیس دادگاه های

بخش در خارج از مقر دادگاه شهرستان

تأمین هزینه های لازم برای اجراء قانون اقدامات تأمینی.

ورشکستگی شرکت های تجاری

همچنان که قسمت اول ماده ۴۱۲ قانون تجارت چنین می گوید:

ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر

عهده او است حاصل می شود

بنابراین، ماده فوق به طور کلی از اشخاص حقیقی یعنی تاجر و اشخاص حقوقی

یعنی شرکت های تجاری بحث می نماید و شامل سه قسمت می باشد.

تاجر ورشکسته ای که در قید حیات می باشند.

۲. تجاری که در حین فوت در حال توقف بوده اند.

شرکت های تجارتي.

منبع :

سایت اطلاع رسانی آفتاب : www.aftab.ir